

تحلیل فقهی حکم ضرب زوجه ناشزه در پرتو آیه ۳۴ سوره نساء از دیدگاه امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت

□ مظاهر حیدری *

□ سردار سلطانی **

چکیده

آیه ۳۴ سوره نساء از آیات بحث برانگیز قرآن کریم است که حکم «ضرب زنان ناشزه» را در پی نشوز و نافرمانی همسران مطرح می سازد. نظر به اینکه، دستورات دین اسلام از ویژگی جاودانگی و قابلیت اجرا در همه ی زمان ها و مکان ها برخوردار است؛ پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل فقهی این حکم در منابع امامیه و مذاهب چهارگانه ی اهل سنت می پردازد و در صدد پاسخ به شبهات و برداشت های نادرست پیرامون آن است. تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از منابع معتبر کتابخانه ای انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد حکم ضرب زوجه تنها در مورد نشوز زناشویی و پس از ناکامی دورا هکار پیشین «موعظه» و «ترک هم خوابی» مشروعیت می یابد و اجرای آن مشروط به رعایت حدودی است که از هرگونه آسیب جسمی یا تحقیر انسانی جلوگیری کند. این حکم نه به عنوان ابزار سلطه و ریاست مرد بر زن، بلکه به عنوان ضمانت اجرایی در برابر حق استمتاع شوهر در روابط زناشویی مطرح شده است. تحلیل فقهی منابع نشان می دهد که هرگونه رفتار افراطی، خشونت بار یا سوء استفاده از این آیه، ناشی از ضعف ایمانی و انحراف در اجرای صحیح حکم الهی است و نباید آن را به حساب دین اسلام گذاشت. بدین ترتیب، آموزه های اسلامی با تأکید بر عدالت، کرامت انسانی و حفظ حرمت زن، زمینه ی سوء برداشت از آیه ی شریفه را از میان می برد.

کلیدواژه ها: زوج، زوجه ناشزه، ضرب زوجه، آیه ۳۴ سوره نساء، فقه امامیه، مذاهب اربعه اهل سنت.

* استادیار جامعة المصطفی ﷺ العالمية (m.heidari012@gmail.com).

** دانش آموخته دکتری فقه مقارن جامعة المصطفی ﷺ العالمية (نویسنده مسئول) (s.soltani@gmail.com).

مقدمه

مسئله ضرب زوجه نافرمان و ناسازگار (ناشزه) یکی از مباحث حساس و بحث برانگیزی است که طرح آن در آثار ریاست شوهر با ابهام و تردیدهای جدی مواجه است. در ذیل آیه ۳۴ سوره نساء به این موضوع اشاره شده است:

فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. خداوند متعال در این آیه بعد از بیان قوامیت مردان بر زنان می‌فرماید: زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب همسر اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خداوند برای آنان قرار داده حفظ می‌کنند و اما آن دسته از زنانی که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید [اگر اثرگذار نبود] در بستر از آنها دوری کنید [و اگر هیچ راهی به جز شدت عمل برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود] آنها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید و بدانید خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

این مطلب در فقه امامیه و اهل سنت از مسلمات است؛ زیرا افزون بر آیه یاد شده برخی از روایات نیز آن را تأیید کرده و سبب شده است که در فرهنگ اسلام تا حدودی این باور به وجود آید. که هنگام سرپیچی و نافرمانی زن در برابر شوهر بعد از آنکه نصیحت و کناره جویی از او سود نداشت شوهر حق تأدیب و ضرب او را دارد. برخی علما و اندیشمندان به دنبال بیان قوامیت و ریاست شوهر برای او حق با ولایت تأدیب همسرش را منظور کرده اند برخی از فقهای اهل سنت همچنان دایره حق تأدیب شوهر را گسترش داده و به او در ترک تکالیف و واجبات الهی از سوی زن حق داده اند تا به تأدیب او مبادرت کنند با این وجود بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که حدیث معتبری بر وجود ولایت تأدیب برای شوهر در قالب قوام زن و رئیس خانواده و توسعه آن نسبت به هر نوع نافرمانی از سوی زن وجود ندارد و جالب اینکه روایاتی نیز به دست می‌آید که حتی وجود چنین حقی را با تردید مواجه می‌کند نبی اکرم ﷺ فرمودند: «من در شگفتم از کسی که زن خود را می‌زند و او خود برای کتک خوردن از زنش سزاوارتر است. زنان را با چوب نزنید که قصاص می‌شوید، بلکه آنان را با گرسنگی و برهنگی

[ترک انفاق] ادب کنید تا در دنیا و آخرت راحت باشید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۹/۱۰۰). اگر به موجب آیه شریفه، تنبیه زن آخرین راه حل اصلاح زن ناشزه باشد نیازمند بررسی و مطالعه مراحل اصلاح ناشزه، شرایط جواز ضرب و حدود ضرب است که در ادامه بررسی می‌شود.

مفاهیم نظری

۱. تحلیل فقهی

منظور از «تحلیل فقهی»، بررسی و تبیین یک حکم شرعی بر پایه‌ی ادله‌ی اربعه‌ی فقه — قرآن، سنت، اجماع و عقل — همراه با استخراج مبانی، قیود و محدوده‌های اجرای آن است. در چنین تحلیلی، فقیه صرفاً به نقل قول اقوال اکتفا نمی‌کند، بلکه با مقایسه‌ی مبانی استدلالی مذاهب، به ارزیابی درونی و تطبیقی حکم می‌پردازد (شهید صدر، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۴؛ سبحانی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۵۵).

۲. حکم ضرب زوجه

واژه‌ی «ضرب» در لغت به معنای «زدن با شدت یا غیر آن» آمده است، اما در اصطلاح فقهی آیه‌ی مورد بحث، بیشتر به عنوان یک اقدام تربیتی کنترل‌شده تفسیر می‌شود که تنها در مرحله‌ی سوم مقابله با نشوز و پس از طی مراحل «موعظه» و «هجر در بستر» مجاز است (طباطبایی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۳۴۷؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۶۵).

فقه امامیه و اهل سنت عموماً بر مشروط بودن این اجازه به رعایت عدم ایدای بدنی و حفظ کرامت زن تأکید دارند؛ تا حدی که در بیشتر منابع فقهی، ضرب مذکور صرفاً «نماد هشدار» و نه «تنبیه بدنی» دانسته شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۲۴۵؛ ابن‌قدامة، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۸۴).

۳. ناشزه

«نشوز» در لغت به معنای سربرافراشتن و سرپیچی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۸۳)، و در اصطلاح فقهی به «عدم تمکین زن در حقوق زناشویی واجب از شوهر» اطلاق می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۲۱۵).

بنابراین «زوجه‌ی ناشزه» زنی است که بدون عذر شرعی از ادای وظایف زناشویی خودداری می‌کند. بیشتر فقیهان امامیه و اهل سنت نشوز را تنها در قلمرو تمکین خاص می‌دانند و معتقدند در سایر شئون زندگی زناشویی، مرد حق هیچ‌گونه تنبیه یا اجبار ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵ ش، ج ۳، ص ۳۵۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۵، ص ۱۷۰).

۴. آیه ۳۴ سوره نساء

آیه ۳۴ سوره‌ی نساء، یکی از آیات اجتماعی اسلام درباره‌ی نظم خانواده است:
 «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ...» (نساء، ۳۴)

این آیه قوامیت و سرپرستی مرد را بر پایه‌ی مسؤولیت اقتصادی و مدیریتی او در خانواده تبیین می‌کند، نه بر مبنای برتری ذاتی (طباطبایی، ۱۴۰۲ ق، ج ۴، ص ۳۴۲). عبارت «واضربوهن» در پایان آیه، به‌عنوان آخرین راهکار تربیتی برای اصلاح نشوز زوجه آمده است، که در تفاسیر امامیه و اهل سنت به گونه‌ای محدودکننده، مشروط و غیرخشونت‌آمیز تفسیر گردیده است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۸۲؛ طبرسی، ۱۳۸۰ ش، ج ۳، ص ۷۲).

بر پایه‌ی این تعاریف، تعبیر «تحلیل فقهی حکم ضرب زوجه ناشزه در پرتو آیه ۳۴ نساء» به معنای تبیین محدوده‌ی مشروعیت، فلسفه‌ی تشریع و شرایط اجرای «ضرب» به عنوان آخرین واکنش شرعی در برابر نشوز است؛ واکنشی که نه ابزار سلطه‌ی مرد، بلکه ضمانت اجرایی برای حفظ پیوند خانواده و کرامت دو طرف محسوب می‌شود (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۹۴؛ جعفر سبحانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۱۰۳).

احتمالات موجود درباره واژه ضرب در آیه ۳۴ سوره نساء

۱. ترک زوجه و کناره گیری از خانه

برخی نویسندگان معتقد هستند که مقصود از ضرب در آیه، ترک خانه زناشویی و جدایی از

زوجه است تا متوجه مخاطرات رفتار خود و احتمال طلاق و متارکه دائمی شود. دلیل ایشان در ترجیح این معنا دور بودن ضرب به معنای تنبیه بدنی از روح کرامت انسانی زن و طبیعت مودت آمیز زناشویی و مانند آن است. (عبد الحمید، بی تا، ص ۳۶)

۲. تلطیف نوازش و مهربانی

برخی با ذکر معانی متعدد ضرب در استعمالات قرآنی مانند ضرب فی الارض، ضرب خمار و.... معتقد هستند که این لفظ بدون وجود قرینه معینه در هیچ یک از معانی فوق ظهور ندارد و در آیه هم قرینه ای بر اراده تنبیه بدنی نیست. در نهایت نیز با ذکر احتمال قرائت کلمه از باب افعال (اضربوهن) گفته اند: «مقصود زدن نیست، بلکه مقصود نوازش کردن است» (مهریزی، ۱۳۸۴).

۳. تعزیر

برخی از نویسندگان معتقد هستند که مخاطب آیه، حکام شرع هستند و مراد از عبارت ضرب نیز تعزیر است که به سبب ارتکاب عمل حرام نشوز از سوی زوجه توسط حاکم بر وی جاری می شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۵)

۴. احتمال نسخ حکم

برخی از قرآن پژوهان معتقدند: «قرآن کریم در مسیر ریشه کنی تدریجی آداب زشت جاهلیت نوعی همراهی ملایم را با این آداب تجویز کرده است. از این رو تجویز زدن زنان نوعی عقب نشینی تاکتیکی با جامعه کوتاه نظر عصر نزول بوده که امروزه دیگر موردی برای پافشاری بر آن وجود ندارد و در واقع آیه نسخ شده است». (معرفت، بی تا، ص ۴۵).

تقسیم بندی زنان در آیه ۳۴ سوره نساء

۱. صالحات

زنانی که در این آیه به صالحات توصیف شده اند، زنانی هستند که حالت سکون، آرامش، اطاعت از شوهر و انجام حقوق زوجیت را دارند. این دسته از زنان به نظر شوهر در امور منزل

و خانواده توجه دارند، اسرار زندگی زناشویی را حفظ می‌کنند و نیازی به تأدیب ندارند؛ زیرا حقوق زوج را تمام و کمال به جا آورده‌اند و شوهر نیز نسبت به چنین زنی حق تأدیب و تنبیه ندارد. (یوسفیان، ۱۳۹۸)

۲. غیر صالحات

زنانی که آیه آنها را «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» تعبیر می‌کند و آنها زنانی هستند که به دنبال عدم رعایت حقوق زوجیت، سرکش و نافرمان هستند و اینان به نظرات و دستورات شوهر توجهی نداشته و ریاست او بر خانواده را نمی‌پذیرند. بنابراین، مطیع شوهر نبوده و نیاز به اصلاح و تأدیب دارند. (ابوالعینین بدران، بی تا، ص ۲۷۵)

مراحل اصلاح زوجه ناشزه در آیه ۳۴ سوره نساء

۱. موعظه حسنه: «فَعِظُوهُنَّ»

در این مرحله شوهر تذکرات لازم برای حسن معاشرت و انجام وظایف زوجیت را با پند و اندرز دلسوزانه برای زن بیان می‌کند. (پروین و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۸۴) احترام به کرامت انسانی زن ناشزه که البته شریک زندگی و مورد علاقه زوج است، اقتضا می‌کند که مرد در اولین قدم با او صحبت کرده و جایگاه شوهر و حقوق او را تبیین کند. عواقب وخیم نشوز و ترک طاعت را به زن متذکر شود و به این صورت عصبانیت، احساسات منفی و ناخشنودی از برخی امور زندگی و دیگر عوامل احتمالی رفتار زن را از بین ببرد یا کاهش دهد و او را به حالت طبیعی و مطلوب بازگرداند. (رحمانی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۸)

۲. ترک بستر: «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ»

پس از آنکه روش کلامی مؤثر نبود شوهر می‌تواند سراغ احساس شکننده زن برود و با کنار گذاشتن یکی از حقوق او یعنی، انس و توجه شبانه او را متنبه و وادار به ترک ظلم و انجام وظایف همسری کند، البته اگر مرد احتمال فایده داشتن چنین کاری را بدهد و اصلاح رفتار زوجه غیر قابل وصول نباشد. صاحب جواهر در این باره می‌فرماید: «هرگاه امارات نشوز مثل

درهم کردن چهره، ممانعت از استمتاع یا تغییر ادب در زن ظاهر شد شوهر می‌تواند بعد از آنکه نصیحت زن فایده‌ای نداشت در بستر از او دوری کند» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۱/۳۱).

۲-۱. نظر فقهای امامیه در معنای هجر در مضجع و خوابگاه

- برخی به استناد حرف «فی» در آیه آن را به معنای روی برگرداندن از زن در بستر می‌دانند. (اسدی حلی، بی‌تا، ۹۶/۳)

- برخی دیگر آن را به جدا کردن بستر مرد از زن و در بستر دیگر خوابیدن معنا کرده‌اند. شیخ طوسی و ابن ادریس این معنا را پذیرفته‌اند. (البحرانی، ۱۴۰۵، ق، ۶۱۸/۲۴)

- برخی هر دو معنا یعنی، روی برگرداندن از زن در بستر و جدا کردن بستر مرد از زن را مصداق آیه می‌دانند. صاحب جواهر می‌گوید: «هر دو مراد است و باید در عمل به آنها مراتب را رعایت کند؛ یعنی اگر مرتبه پایین‌تر مؤثر است اقدام به مرتبه بالاتر نکند».

- علی بن ابراهیم، هجر را به سب و دشنام دادن که یکی از معانی لغوی آن است، معنا می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۲۰۶/۳۱)

- شهیدثانی بعد از نقل بعضی از اقوال در این باره می‌گوید: «برای فهم معنای هجران باید به عرف رجوع کرد و مقصود رفتاری است که زن آن را هجران تلقی می‌کند». (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ق، ۳۵۶/۸)

- برخی نیز هجر را کنایه از ترک جماع دانسته‌اند، البته باید توجه داشت که لازمه سه قول اول نیز ترک جماع است. (البحرانی، ۱۴۰۵، ق، ۶۱۸/۲۴) برخی از فقها مانند شیخ مفید و صاحب ریاض نیز تخییر زوج بین دو مورد اول را پذیرفته‌اند؛ زیرا هر دو مصداق عرفی هجر هستند (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۲۰۶/۳۱)

- برخی دیگر شروع از مورد خفیف‌تر یعنی، پشت کردن در فراش و در صورت عدم مفید بودن آن، جدا کردن محل خواب را ذکر کرده‌اند و ترتب در مراحل هجر را محتمل دانسته‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ق، ۳۵۶/۸)

- برخی از نویسندگان، هجر در مضجع را کنایه از ترک رابطه احساسی و سلب حق استیناس و خلوت عاشقانه و عاطفی زوجه معنا کرده‌اند و گفته‌اند بر اساس اطلاق، هجر

ممکن است بر حسب تشخیص زوج، هر یک از مصادیق سه گانه روی برگرداندن، جدا کردن محل خواب و ترک جماع را داشته باشد و دلیلی بر تعیین یکی از آنها یا رابطه طولی میان آنها نیست. (رحمانی، ۱۳۹۱، ۴۹۰)

فقه‌های مذاهب اربعه اهل سنت نیز در کیفیت هجر اختلاف نظر دارند.

۲-۲. نظر فقهای مذاهب اربعه اهل سنت درباره هجر در مضجع و خوابگاه

۲-۲-۱. نظر فقهای حنفی درباره هجر در مضجع

- برخی از احناف منظور از هجر را ترک مضاجعت (هم خوابگی) با زوجه می‌دانند.
- برخی دیگر هجر را به معنای ترک سخن گفتن در حال مضاجعت (هم خوابگی) مرد با زن می‌دانند نه ترک جماع با زن؛ زیرا جماع و مضاجعت (هم خوابگی) حق مشترک زن و شوهر است و همان گونه که در ترک این دو برای زن ضرر وجود دارد برای مرد هم ضرر وجود دارد. بنابراین، مرد زن را به چیزی که برای خودش ضرر دارد و حقش را باطل می‌کند، تأدیب نمی‌کند.
- برخی دیگر گفته‌اند منظور از هجر، جدایی از زن در مضجع (خوابگاه) است.
- برخی منظور از هجر را ترک مضاجعت و جماع با زن هنگام غلبه شهوت زن و نیاز زن به مرد دانسته‌اند نه هنگام نیاز مرد به زن و معتقدند هجر برای تأدیب زن است، پس شایسته است که مرد زن را تأدیب کند نه اینکه خودش را با امتناع از مضاجعت در هنگام نیازش تأدیب کند. (الکاسانی الحنفی، ۱۴۳۲ق، ۴۹۴/۲)

۲-۲-۲. نظر فقهای مالکی درباره هجر در مضجع

فقهای مالکی معتقدند: «هجر به معنای ترک خوابگاه است؛ یعنی شوهر در خوابگاه از زن دوری کند و در بستر با زن نخوابد. نهایت مدت هجر از نظر فقهای مالکی یک ماه است». (الدسوقی المالکی، بی-تا، ۲۷۹/۲)

۲-۲-۳. نظر فقهای شافعی درباره هجر در مضجع

فقهای شافعی در معنای هجر گفته‌اند: «مراد از هجر این است که از بستر زن دوری کند و با وی

مضاجعت نکند». برخی مراد از هجر را ترک وطنی می‌دانند. برخی هم مراد از هجر را خودداری از سخن گفتن دانسته و حداکثر مدت آن را سه روز می‌دانند (شریینی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۹/۳).

۴-۲-۲. نظر فقهای حنبلی درباره هجر در مضجع

فقهای حنابلّه هجر را به معنای دوری در خوابگاه دانسته اند. (وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیه بالکویت، ۱۴۳۳ق، ۲۹۸/۴۰).

۳. ضرب: «وَ اضْرِبُوهُنَّ»

سومین راه اصلاح نشوز زوجه بر اساس آیه شریفه، ضرب است. استفاده از این راه در صورتی مجاز است که برخورد عقلانی و گفت و گو و نیز برخورد عاطفی و احساسی با زوجه مؤثر نباشد و او همچنان بر استمرار ظلم و تضییع حقوق شوهر اصرار بورزد و با کج خلقی و بدرفتاری خود، آرامش و آسایش خانواده را برهم زند.

۳-۱. شرایط جواز ضرب زوجه ناشزه

فقهای مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت برای جواز ضرب زن ناشزه شرایط زیر را لازم می‌دانند:

- دو مرحله قبل (موعظه و هجر) تأثیر نداشته باشد. فقهای امامیه و حنفی متذکر شده اند که مراحل سه گانه ذکر شده در آیه، مصداق مراحل امر به معروف و نهی از منکر است و مانند آنها تدریجی و وابسته به احتمال تأثیر است؛ یعنی اگر بتوان با عمل به مرحله پایین تر به هدف رسید نباید به مرحله بالاتر اقدام کرد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۰۲/۳۱؛ الکاسانی الحنفی، ۱۴۳۲ق، ۴۹۴/۲)

- احتمال تأثیر آن وجود داشته باشد و متصف به صفت بازدارندگی باشد، اما اگر موجب اصلاح زن نشود یا پیامدهای ناگوار روحی - روانی ایجاد کند که آسیب آن بیش از گذشته زن باشد چنین زدن جایز نیست و مرد باید از راههای تأثیرگذار دیگری استفاده کند. (امامی، ۱۳۸۸، ۹۲)

- زدن به قصد اصلاح و تأدیب باشد نه به قصد انتقام و تشفی خاطر. (موسوی خمینی، بی تا، ۳۰۵/۲؛ وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه بالکویت، ۱۴۳۳ق، ۳۰۱/۴۰) بنابراین، زدن نه فقط در مواردی که موجب اصلاح زن نشود، جایز نیست، بلکه در مواردی که موجب اصلاح شود نیز

اگر به قصد انتقام و تشفی باشد، حرام است؛ زیرا زدن بدون قصد موجب آزار زن می‌شود و مصداق «ایذاء مؤمن» است و ایذاء مؤمن حرام است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۴۱۷/۷)

فقیهان امامیه و مذاهب اربعه واژه ضرب را با تعابیر مختلفی که برگرفته از برخی احادیث نبوی در متون روایی شیعه و اهل سنت است مقید نموده‌اند که عبارتند از:

- ضرب غیر مبرح: «ضربها ضربا غیر مبرح»، ضربی که آسیب جدی وارد نشود. این تخصیص و محدودیت دستور ضرب در آیه برگرفته از روایتی است که ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. (قمی، ۱۳۷/۱).

- ضرب غیر مدمی: «ضربا غیر مدمیا» یعنی ضربی که به خون ریزی منجر نشود. (طوسی، ۴۲۸-۳۳۸/۴).

- ضرب خفیف: «یضربها ضربا خفیفاً»، زدن به آرامی. (طوسی، ۶۶/۸).

- ضرب رقیق: «ضربا رقیقا» زدن به نرمی و ملایمت. (طباطبایی، بی-تا، ۳۴۹/۵).

- ضرب رفیق: «ضربا رفیقا» در بدنش اثری نماند. (ابن زهره، ۳۵۲).

- زدن با چوب مسواک: «ضرب باسواک» به نقل از روایتی از امام باقر علیه السلام. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۶۹/۳).

- ضرب ملایم: زدن با ملایمت و آرامی. (طیب، ۷۴/۴).

فقیهان مذاهب اربعه نیز درباره ضرب زوجه گفته‌اند: ضرب زوجه غیر شاین (بدون ایجاد عیب و نقص) و غیر مخوف (بدون ایجاد ترس) باشد. (وزاره الوقاف والشئون الاسلامیه بالکویت، ۱۴۳۳ق، ۲۹۸/۴۰؛ الکاسانی، ۱۴۳۲ق ۴۹۴/۲). زدن غیر مدمی و غیر مبرح زدن است که استخوان نشکند و موجب جراحت و مانند آن نشود؛ زیرا مقصود از زدن اصلاح است نه چیز دیگر (وزاره الوقاف والشئون الاسلامیه بالکویت ۱۴۳۳ق، ۲۹۸/۴۰).

برخی از فقها نشوز را در برابر تمکین عام و اطاعت مطلق از شوهر مطرح کرده‌اند و نشوز زن را به معنای بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و امیال جنسی شوهر نمی‌دانند. آنها نشوز را نافرمانی زن نسبت به تمام اموری که از نظر شرعی بر زوجه در مقابل زوج واجب است، می‌دانند. در اصطلاح بسیاری از فقهای امامیه، نشوز به معنی ترک حق استمتاع شوهر و مبادرت ورزیدن

به امور منافی آن است. امام خمینی علیه السلام فرمود: «نشوز یا نافرمانی زن در امور مربوط به کام جویی شوهر تحقق می‌یابد و با ترک کارهایی که بر زن واجب نیست نشوز صدق نمی‌کند» (موسوی خمینی، بی-تا، ۳۰۵/۲). بنابراین، هر نوع مخالفت یا ناهنجاری از جانب زن را نمی‌توان مصداق نشوز و نافرمانی زن دانست و حکم آیه را بر آن تسری داد.

فقه‌های حنفی خروج زن از منزل را به معنای نشوز می‌دانند و قائل به جواز ضرب زوجه در چهار مورد شده‌اند:

- ترک کردن زینت شرعی در صورتی که قادر بر زینت باشد؛
 - عدم اجابت شوهر در فراش در حالی که زن از حیض و نفاس طاهر است و روزه واجب نباشد؛
 - خروج زن از منزل بدون اذن شوهر و بدون حق بعد از ایفای مهر معجل؛
 - ترک غسل جنابت (دمشقی حنفی، ۱۴۱۲ق، ۷۷/۴)
- بسیاری از فقه‌های حنفی زدن زن در صورت ترک نماز را جایز می‌دانند، اما برخی از آنها جایز نمی‌دانند و معتقدند منفعت نماز به زن بر می‌گردد نه به شوهر. (المصری الحنفی، بی تا، ۵۳/۵)

۲-۳. مراحل جواز ضرب زوجه ناشزه

۱-۲-۳. شروع از مرحله سبک: با توجه به وجود مراتب مختلف در زدن و با توجه به اینکه علت جواز ضرب، اصلاح و تأدیب است نه کیفر و عقوبت، مرد باید از مراحل اولیه و سبک شروع کند و ابتدا نمی‌تواند سراغ مرحله انتهایی برود و در صورت حصول غرض نمی‌تواند مرحله بعدی را انجام دهد. (موسوی خمینی، بی-تا، ۳۰۵/۲)

۲-۲-۳. ممنوعیت ضرب شدید: ضرب باید غیر مبرح باشد. بنابراین، همه مراحل زدن برای شوهر جایز نیست و او حق زدن شدید زوجه را ندارد. در میان فقه‌های امامیه در مورد ضرب زن ناشزه دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد. برخی گفته‌اند: «ضرب موجب خون آمدن و ایجاد عیبی در بدن نشود (حلی، ۱۴۱۰ق، ۷۲۸/۲) یا اثری در بدن ایجاد نکند» (حلی ۱۴۱۷ق، ۳۵۲) برخی گفته‌اند: «نباید به صورت و قسمت‌هایی از بدن که ممکن است موجب آسیب زیاد شود، بزنند و نیز نباید پیوسته به یک موضع از بدن بزنند» (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۵۱۹/۷).

«زدن نباید موجب خون آمدن، کبودی یا سرخی پوست شود» (موسوی خمینی، بی-تا، ۳۰۵/۲). صاحب حدائق می‌گوید: «زدن زن همچون زدن کودکان باید به گونه ای باشد که موجب درد در زن شود، ولی ضرری به بدن او نرساند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶۱۸/۲۴). صاحب جواهر معتقد است: «زدن با چوب مسواک اولین مرتبه زدن است و اگر این مرتبه اثر نکرد به مراتب بالاتر باید عمل کند. مقصود روایت نیز از امر به زدن با چوب مسواک بیان اولین مرتبه زدن است نه انحصار زدن به آن». (نجفی ۱۴۰۴ق، ۲۰۵/۳۱) ابن ادریس می‌گوید: «زدن با چوب مسواک مستحب است» (حلی، ۱۴۱۰ق، ۷۲۹/۲) مقصود از ضرب اصلاح رفتار و تادیب زوجه است نه کیفر و عقوبت و اضرار به او.

فقه‌های مذاهب اربعه نیز درباره ممنوعیت ضرب شدید زوجه تعابیر مختلفی بیان کرده اند: - فقه‌های مالکی می‌گویند: «در صورتی که گمان افاده ضرب از طرف شوهر وجود داشته باشد ضرب جایز است وگرنه ضرب زوجه ناشزه جایز نیست. همچنین زدن بر صورت و جاهایی که امکان هلاک زن وجود دارد، جایز نیست». (شرینی ۱۴۱۵ق، ۲۶۰/۳) فقه‌های شافعی می‌گویند: «در صورت تحقق نشوز از سوی زن، شوهر بر صورت و قسمتهایی از بدن که بیم هلاک شدن زن وجود دارد، نزند» (وزاره الاوقاف والشنون الاسلامیه بالکویت، ۱۴۳۳ق، ۲۹۹/۴۰). - فقه‌های حنبلی مانند شافعی معتقدند: «شوهر بر صورت، شکم، مواضع ترسناک که خوف قتل زن وجود دارد نزند» (همان).

- برخی از فقه‌های مالکی، شافعی و حنبلی نیز گفته اند: «با چوب مسواک و مانند آن مثل منديل ملفوف یا با دست بزند نه با شلاق و عصا یا چوب» (همان).

۳-۳. نظر فقهاء در صورت تعدی شوهر از حدود ضرب زوجه

اگر زوج شدت عمل به خرج دهد و وارد مرحله ممنوعه شود مرتکب حرام شده است و اگر ضرب باعث تلف یا هلاک شدن زن شود در مورد ضامن بودن یا عدم ضامن شوهر در فقه امامیه و اهل سنت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

۱-۳-۳. قول اول: بیشتر فقهاء تصریح کرده اند: «اگر زدن باعث تلفی در زن شود مرد

ضامن است؛ زیرا چنین زدنی اتلاف (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۶۱/۸) و افساد است نه اصلاح. برخلاف زدن طفل که در این صورت ضمانی نیست؛ زیرا هدف در زدن طفل، اصلاح و منفعتی است که به طفل باز می‌گردد و والدین قصد خیر رساندن به طفل را دارند و نیکوکار هستند: «ما علی المحسنین من سیل؛ بر نیکوکاران ایرادی نیست» (ر.ک توبه: ۹۱)، اما در زدن زن منفعتی است که به شوهر باز می‌گردد. اولی است که شوهر از نشوز زوجه گذشت کرده و تأدیب را ترک کند (فاضل هندی اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۵۱۷/۷).

۲-۳-۳. قول دوم: برخی از فقها رأی عدم ضمان را برگزیده اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۶۱۹/۲۴)

۳-۳-۳. قول سوم: برخی دیگر معتقدند اگر زدن به گونه ای باشد که موجب تلف می‌شود، پس مرد ضامن است، ولی اگر این گونه نباشد و به طور اتفاقی موجب تلف شود، ضامن نیست. (همان).

در فقه مذاهب اربعه اهل سنت نیز از نظر فقهای حنفی، مالکی و شافعی (غرم) خسارت و ضمان لازم است؛ زیرا چنین زدنی اتلاف است نه اصلاح و شوهر ضامن نفس، عضو یا منفعتی است که با ضرب تلف شده است؛ زیرا ضرب، تأدیب مشروط به سلامت است. (وزاره الاوقاف و الشئون الاسلامیه، ۱۴۳۳ق، ۳۰۱/۴۰) فقهای حنبلی گفته اند: «اگر زن در اثر ضرب مشروع شوهر برای نشوز تلف شود شوهر ضامن نیست؛ زیرا شوهر در ضرب زن ناشزه به صورت شرعی، مأذون است» (همان).

مراد از خوف در آیه ۳۴ سوره نساء

یکی از مباحث مهم در بحث تأدیب این است که ترس از نشوز و نافرمانی، مجوز موعظه، دوری کردن در خوابگاه و کتک زدن است. در حالی که دوری کردن در خوابگاه و به ویژه کتک زدن، عقوبت و تنبیهی هستند که فقط با وقوع جرم قابل توجیه هستند و ترس از وقوع جرم بدون علم به تحقق آن نمی‌تواند توجیه کننده تنبیه و عقوبت باشد. فقهاء و مفسران از دیرباز در پی یافتن پاسخ برای این اشکال برآمده اند و آرای متفاوتی در این زمینه دارند. فقهای امامیه نیز در این باره اختلاف نظر دارند:

- برخی اشکال را وارد ندانسته و با استناد به ظاهر آیه بیم از نشوز را برای حکم به هجر و ضرب کافی می‌دانند. (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۲/۲۴۸)
- برخی از مفسران و فقها کلمه «تخافون» را در این آیه به معنای «تعلمون» می‌دانند. (مقدس اردبیلی بی-تا ۵۳۶) این قول به ابن جنید نسبت داده شده است (شهیدثانی، ۱۴۱۱ق، ۱/۴۲۶). آنها برای تأیید ادعای خود آیاتی آورده اند که کلمه خوف در آنها به معنای علم است: «فمن خاف من موص جنفا او اثما فاصلح بینهم فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم» (بقره: ۱۸۲).
- برخی در معنای واژه تخافون تغییری نمی‌دهند و آن را فقط به اعتبار موعظه می‌دانند و قبل از هجر و ضرب واژه دیگری در تقدیر گرفته اند. شیخ طوسی تقدیر را این گونه می‌داند: «واللاتی تخافون نشوزهن فعضوهن فان فعلن النشوز فاهجروهن و اضربوهن» (طوسی، ۱۳۸۷، ۴/۳۳۷).
- برخی نیز پیش از فعل «واهجروهن» کلماتی را در تقدیر گرفته اند که دلالت بر اصرار و تکرار نشوز دارد. (اسدی حلی، بی تا، ۲/۴۲)
- فقهای حنفی گفته اند: «خوف» به معنای ظن و گمان است». (جصاص حنفی، ۱۴۱۵ق، ۲/۲۳۷)
- فقهای شافعی نیز مراد از خوف را علم دانسته اند. (شرینی، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۶۰).

تخیر، ترتیب یا جمع در ابزارهای مهار نشوز زوجه

عطف ابزارهای سه گانه با حرف واو و امکان حمل آن بر تخیر یا جمع در لغت عرب و هم-چنین وجود برخی تفاوت‌های ماهوی از نظر شدت و ضعف این ابزارها، سبب شده است که این سوال مطرح شود که آیا امور سه گانه موعظه، هجر و ضرب به گونه تخیر است یا به صورت جمع و یا ترتیب. به عبارت دیگر آیا وقتی خوف از نشوز یا خود نشوز محقق شد شوهر مخیر است که یکی از سه فرمان به موعظه، هجر و ضرب را انتخاب کند. (تخیر) و یا می‌تواند به هر سه با هم عمل کند (جمع) و یا باید نخست به فرمان اول، سپس به فرمان دوم و در نهایت به فرمان سوم عمل کند (ترتیب). در پاسخ به سوال فوق بین فقهاء سه نظر وجود دارد:

۱. جمع بین هر سه ابزار در یک زمان: برخی مانند ابن جنید حرف «واو» را به معنای

نخستین آن یعنی، جمع دانسته و خوف را هم به معنای علم می‌دانند. «ابن جنید جوز الجمع بین ثلاثه ابتداء من غیر تفصیل» (شهید ثانی، ۱۴۱۱ق، ۱/۴۲۶) در نتیجه معنای آیه چنین خواهد بود: هرگاه زن نشوز کند مرد می‌تواند او را موعظه کند یا در بستر از او جدا شود و یا او را بزند و می‌تواند دو تا از این امور و یا هر سه را انجام دهد و هیچ ترتیبی میان این امور نیست».

۲. ترتیب بین سه ابزار: به این معنا که زوج باید ابتدا در هنگام ظهور علامات نشوز مانند ترش رویی و اخم در چهره، با عصبانیت و سنگینی سخن گفتن یا رفتار کردن، اصرار بر برآوردن حاجتهایش و ... زن خود را پند و موعظه دهد و اگر موثر واقع نشد و نشوز به واسطه خروج از طاعت زوج در مسائلی که به استمتاع بر می‌گردد، تحقق پیدا کرد، در بستر مشترک به او پشت یا بستر خود را از او جدا کند و در مرتبه آخر و هنگام اصرار زن بر نشوز خود، به ضرب روی آورد.... (علامه حلی، ۱۴۲۱ق، ۳/۵۹۷-۵۹۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۲۸۲؛ خمینی، ۲، ۳۰۵/۱۳۹۰؛ حکیم، ۱۴۱۰ق، ۲/۲۹۸).

البته برخی از فقهاء این ترتیب را از هنگام ظهور علامات نشوز ثابت می‌دانند. (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ۱/۱۹۱).

۳. تخییری بودن این سه ابزار: به این معنا که موعظه و هجران فراش و ضرب در ردیف هم هستند و زوج مختار است که هر یک را که مناسب بداند نسبت به زن خود اعمال کند؛ از ابن جنید کلامی نقل شده که می‌توان آن رات بر این معنا حمل کرد: «و للرجل ان كان الشوز من المراه ان يعظها ويهجرها في مضجعها، و له ان يضربها غير مبرح». (ابن جنید به نقل از شهید ثانی، ۱۴۱۱ق، ۸/۳۵۷-۳۵۸). علامه حلی در ارشاد الاذهان نیز خوف را همچون ابن جنید به معنای علم می‌دانند، ولی برخلاف او امور سه گانه را به ترتیب قرار می‌دهند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۱/۲۰۳؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ۸/۳۵۸) در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: «مرد با تحقق نشوز زن، نخست او را موعظه می‌کند و اگر تأثیر نکرد از او در بستر جدا می‌شود و اگر این نیز فایده نداشت او را می‌زند».

- برخی مانند علامه در قواعد و صاحب جواهر معنای اصلی خوف را در نظر گرفته و قبل از ضرب نیز تحقق نشوز را در تقدیر گرفته اند. به نظر ایشان لازم نیست قبل از ضرب، وعظ و

هجر صورت گیرد. (اسدی حلی، بی تا ۹۳/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۱/۳۱-۲۰۲) معنای آیه چنین است: «هرگاه رفتاری از زن دیده شود که بیم نشوز در آن باشد مرد او را موعظه کند و اگر تأثیر نکرد از او در بستر جدا شود و اگر باز هم نشوز کرد او را بزند صاحب ریاض همین قول را بر می‌گزیند با این تفاوت که بعد از تحقق نشوز و قبل از ضرب، مراعات ترتیب وعظ و سپس هجر را لازم می‌داند (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۹۳/۱۲)

- علامه در تحریر الاحکام خوف را به معنای اصلی می‌داند، ولی آن را فقط متعلق به وعظ می‌داند. او قبل از هجر و ضرب دو کلمه در تقدیر می‌گیرد که با وجود این تقدیرها آیه دلالت بر ترتیب دارد: «فعظوهن إن وجدتم أمارات النشوز، واهجروهن إن امتنعن، واضربوهن إن أصررن» (اسدی حلی بی-تا، ۴۲/۲)

- به نظر شیخ طوسی در مبسوط، خوف به معنای اصلی و هجر و ضرب منوط به تحقق نشوز است، ولی میان آن دو ترتیبی نیست و با تحقق نشوز، مرد می‌تواند بزند یا در بستر جدایی گزیند: «والاتی تخافون نشوزهن فعظوهن فإن فعلن النشوز فاهجروهن و اضربوهن» (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۳۷/۴)

- برخی خوف را به معنای اصلی می‌دانند و امور سه‌گانه را به دلیل اینکه «واو» برای جمع است بر جمع حمل می‌کنند. (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۵۰/۱۲)

از میان فقیهان مذاهب اربعه فقهای حنفی، مالکی و حنبلی قائل به ترتیب وارد شده در آیه هستند. فقهای حنفی در این باره گفته‌اند: «هرچند بر اساس ظاهر آیه حرف «واو» به معنای مطلق جمع است، اما مراد از آن، جمع به شیوه ترتیب است و «واو» هم این احتمال را تأیید می‌کند». بنابراین، اگر زوجه در امری که اطاعت از شوهر لازم است، اطاعت نکند شوهر حق تأدیب زوجه را به ترتیب وارد شده در آیه دارد. ابتدا با مهربانی و نرمی زن را موعظه می‌کند و اگر موعظه اثربخش نبود مرحله هجر را شروع می‌کند. فقهای حنفی در معنای هجر اختلاف نظر دارند به این صورت که یا بستر خود را از زن جدا می‌کند یا ترک جماع و مضاجعت و اگر این روش نیز مؤثر نباشد به ضرب متوسل می‌شود. اگر زن با زدن دست از نشوز بردارد چه بهتر، اما اگر زدن نیز نتیجه ندهد و زوجه را از راهی که در پیش گرفته است، باز ندارد شوهر به

قاضی مراجعه می‌کند و قاضی حکمی از خانواده شوهر و حکمی از خانواده زن انتخاب می‌کند تا بین زوجین را اصلاح کند. (الکاسانی الحنفی ۱۴۳۲ق، ۲/۴۹۴)

فقه‌های مالکی در این باره می‌گویند: «ابتدا شوهر موعظه کند و اگر موعظه و هجر در مضجع افاده نکرد ضرب جایز است، البته اگر گمان افاده ضرب وجود داشته باشد».

فقه‌های حنبله می‌گویند: «اگر امارات نشوز از زن ظاهر شود، شوهر موعظه کند و اگر زن بر نشوز اصرار دارد در مضجع دوری کند یا سخن گفتن با زن را به مدت سه روز ترک کند اگر هجر در مضجع و کلام افاده نکند شوهر حق ضرب دارد، اما فقه‌های شافعی قائل به تخییر زوج در انتخاب مراحل سه گانه هستند» (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه بالکویت، ۱۴۳۳ق ۴۰/۳۰۳).

نتیجه

حکم «ضرب زوجه» تنها در مورد زن ناشزه مطرح است؛ یعنی در حالتی که همسر از تمکین خاص خودداری کرده و دو مرحله‌ی پیشین «موعظه» و «ترک هم‌خوابی» تأثیر اصلاحی نداشته باشد. در چنین شرایطی، شوهر که صاحب حق استمتاع است و حق وی مورد تعدی واقع شده، می‌تواند به ضرب زوجه در چارچوب ضوابط و شرایط معین شرعی و با رعایت حدود مقرر فقهی متوسل شود. این حکم صرفاً در قلمرو «نشوز زناشویی» و مربوط به تمکین خاص است و به هیچ وجه به سایر شئون زندگی مشترک و تمکین عام تسری ندارد؛ از این رو، مرد در امور غیر زناشویی حق هیچ‌گونه تنبیه یا تأدیب بدنی ندارد.

بر اساس تحلیل فقهی، تأدیب زن ناشزه از آثار ریاست مرد بر خانواده محسوب نمی‌شود، بلکه جنبه‌ی استیفای حق دارد و به عنوان ضمانت اجرایی در برابر حق استمتاع مرد، تنها در مرحله‌ی سوم پس از ناکارآمدی شیوه‌های قبلی مطرح می‌گردد. با این حال، حساسیت اجرای این مرحله بسیار بالاست؛ زیرا مردی که در مقام مطالبه‌ی حق خویش و اجرای ضرب قرار می‌گیرد، باید بتواند بر احساسات و عصبانیت خود غلبه کرده و در نهایت عدالت و انصاف، در محدوده‌ای که آزار جسمی شدید یا آسیب منجر به دیه و قصاص ایجاد نکند، رفتار نماید. از سوی دیگر، اجتماع نقش‌های «مدعی، قاضی و مجری حکم» در شخص شوهر،

زمینه‌ی بالقوه‌ی سوءاستفاده از این حکم الهی را فراهم می‌سازد؛ به‌ویژه در میان افرادی که از ایمان، تقوا یا آگاهی فقهی کافی برخوردار نیستند. همین سوء برداشت‌ها و رفتارهای نادرست از سوی برخی مسلمانان موجب شده است تا منتقدان و مدعیان حقوق بشر، اسلام را به نقض حقوق زنان متهم سازند. در حالی که خطا و افراط در اجرای حکم، ناشی از ضعف فردی مسلمانان است، نه از نقص در آموزه‌های دین اسلام. بنابراین اعمال غیرعادلانه و خلاف موازین اخلاقی نسبت به زنان در جوامع اسلامی، نباید موجب تردید در عدالت، کرامت‌محوری و انسان‌دوستی تعالیم اصیل اسلام شود.

قرآن کریم.

- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (م. ۶۲۰ ق). المغنی. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
- اسدی حلی، حسن بن یوسف مطهر (علامه حلی) (بی تا). تحریر الاحکام. مشهد: مؤسسه آل البيت. اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- امامی، مسعود (۱۳۸۸)، آیه تنبیه بدنی زنان. نشریه تخصصی طهورا، سال دوم، شماره چهارم، ۷۵-۱۰۰.
- البحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق النازحه فی احکام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته
- بدران، ابوالعینین بدران (بی تا). الفقه المقارن للاحوال الشخصية. بیروت: دار النهضة العربیه. به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- پروین، فرهاد و حسینی، وحیده (۱۳۹۲). شرایط، قلمرو و آثار فقهی و حقوقی ریاست زوج در رابطه با زوجه.
- جصاص حنفی، احمد بن علی ابوبکر رازی (۱۴۱۵) احکام القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حایری طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق. قم: دار الکتاب مدرسه امام صادق عليه السلام.
- حلبی این زهره (۱۴۱۷) غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- حلی، محمد بن منصور بن احمد بن ادريس (۱۴۱۰). السراير الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- الدسوقي المالکی، محمد بن احمد (بی تا) حاشیه الدسوقي علی الشرح الكبير. بی جا: بی نا.
- دمشقی الحنفی، ابن عابدين (۱۴۱۲) الدر المختار و حاشیه ابن عابدين، بیروت: دار الفكر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م. حدود ۵۰۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
- رحمانی، امیر (۱۳۹۱). بررسی فقهی مدیریت در روابط زوجین. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- سبحانی، جعفر. *دراسة في فقه المرأة*. قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)، ۱۴۲۸ ق.
- _____، *کلیات فی علم الفقه*. قم: انتشارات توحید، ۱۳۹۵ ش / ۲۰۱۶ م
- شرینی، محمد خطیب (۱۴۱۵) *مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج*، بی جا، دار الکتب العلمیه.
- شهید صدر، سید محمدباقر (م. ۱۴۱۴ ق). *الحلقات فی علم الاصول*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین (م. ۱۴۰۲ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ ق.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (م. ۵۴۸ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: کاظم موسوی بجنوردی و همکاران. تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۸۰ ش.
- طبری، محمد بن جریر (م. ۳۱۰ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: احمد محمد شاکر. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، *المبسوط فی فقه امامیه*. تهران: المكتبة المرتضوية.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۳). *مسالك الافهام إلى تنقيح شرايع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- عبد الحمید، احمد ابوسلیمان (بی تا). *ضرب المراء وسیلة لحل الخلافات الزوجیه*. بی جا، بی نا.
- فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *كشف اللثام والایهام عن قواعد الاحکام*. قم: دفتر انتشارات.
- فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری (م. ۶۷۱ ق). *الجامع لأحكام القرآن*. تحقیق: احمد عبدالعلیم عبدالله. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- الکاسانی الحنفی، ابن مسعود (۱۴۳۲). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرايع*، بیروت: دار الفکر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- المصری الحنفی، ابن نجیم (بی تا). *البحر الرایق شرح کنز الدقایق و منحه الخالق و تکمله الطوری*، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
- مطهری، مرتضی. *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۹ ش.

- معرفت، محمد هادی (بی تا). زن در نگاه قرآن. بی جا: بی نا.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن. تهران: المكتبة الجعفرية لاحیاء الآثار
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. قم: انتشارات اسوه، ۱۳۹۵ ش.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۴). تطور دیدگاه ها در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء. نشریه تحقیقات علوم قرآن، شماره ۳، ۷-۳۶
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۶). حقوق خانواده. تهران: مجد.
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). نهایی المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نجفی، محمد حسن (م. ۱۲۶۶ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. تحقیق: شیخ عبدالرزاق موسوی مقدم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- نشریه حقوق خصوصی، سال دوم، شماره سوم، ۶۵-۹۴.
- وزاره الوقاف و الشؤون الاسلامیه بالکویت (۱۴۳۳)، موسوعه الفقهیه. کویت: وزارت الوقاف و الشؤون الاسلامیه.

